

بررسی نقش پوشش ریسک‌های خاص بانکی بانکداری بدون ربا، ایران، در تحقق اهداف بند نهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

سعید سید حسین‌زاده یزدی^۱

بهنام نباتی‌پابندی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۸

چکیده

در بند نهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر چهار مؤلفه اصلی برای حفظ ثبات مالی در اقتصاد تأکید شده است، که عبارت‌اند از: اصلاح و تقویت نظام مالی، ثبات مالی، ثبات اقتصاد ملی و تقویت تولید ملی. پوشش ریسک‌های خاص بانکی با استفاده از راهکارهای ساختاری، می‌تواند اثرات مطلوبی در تحقق این اهداف داشته باشد که این نتایج و اثرات از طریق چهار عامل زیر بدست خواهند آمد: ایجاد امکان اجرای حقیقی عقود اسلامی و برخورداری از مزایای استفاده از آن‌ها، کاهش بنگاهداری بانک‌ها یا افزایش شمولیت مالی، ایجاد و رواج فدرالیسم اقتصادی و تقویت نهادها، منابع و تسهیل‌کننده‌های تطبیقی. این پژوهش تحلیلی از جایگاه و نقش ریسک در بانکداری بدون ربا و اهمیت پوشش آن‌ها در راستای تحقق اهداف بند نهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: ریسک بانکی، بانکداری بدون ربا، عقود اسلامی، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی،

ثبات مالی

طبقه‌بندی JEL: G24, G21, G32

۱- دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه امام صادق(ع)

s.seydhoseinzadeh@isu.ac.ir
behnam.nabati.p@gmail.com

۲- دانشجوی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)

مقدمه

تعمیق و گسترش اقتصاد مقاومتی بدون درک درست و دقیق از پتانسیل‌های داخلی اقتصاد کشور و اتخاذ سیاست‌های سنجیده و بهینه در تمامی عرصه‌های اقتصادی از جمله نظام بانکی قابل‌دستیابی نیست. وظایف نظام بانکی از یک‌طرف اعمال سیاست‌های پولی و اعتباری در راستای حفظ ثبات سطح عمومی قیمت‌ها، کنترل تورم و حفظ ارزش پول ملی به عنوان وظیفه بانک مرکزی و از طرف دیگر تجهیز منابع مالی و تخصیص بهینه آن در سیستم اقتصادی، در راستای پشتیبانی و تسهیل امور مصرفی و تولیدی به عنوان وظیفه بانک‌های تجاری و مؤسسات مالی و اعتباری است. همین دو وظیفه عمده نظام بانکی، به‌وضوح بیانگر اهمیت آن در ایجاد کارایی اقتصاد کشور است، به طوری که کارایی و ثبات نظام بانکی، مقوم و پشتیبان کارایی و ثبات بخش واقعی اقتصاد بوده و برخلاف آن بی‌ثباتی و عدم کارایی نظام بانکی موجب بروز بی‌ثباتی و ناکارایی در بخش واقعی اقتصاد می‌گردد (زمان‌زاده، ۱۳۸۹). از آنجایی که پیشرفت هر اقتصادی با سیستم مالی و بانکداری آن مرتبط است، آگاهی از نواقص سیستم قانونی کشورهای اسلامی امری ضروری برای مدیران هر جامعه اسلامی بوده و باید در رفع و کاهش این نوع ریسک اقدامات لازم را انجام دهند تا راه برای ورود بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی به بازارهای جهانی هموار شود. (مشرف جوادی، ۱۳۸۸، ص ۱۲).

در سال‌های اخیر بیشترین حجم انتقادات به نظام بانکی کشور وارد شده و مدام بر اصلاح رفتار و اصلاح ساختار نظام بانکی کشور در سطوح مختلف تأکید شده است، از مجموعه مباحثی که توسط سیاست‌گذاران اقتصاد ایران در سال‌های اخیر در مورد اصلاح نظام بانکی کشور مطرح شده، مجموعه برنامه‌هایی که طراحی گردیده و مجموعه اقداماتی که صورت گرفته است، چنین به نظر می‌رسد که شناسایی ریسک‌های مختص نظام بانکی و پوشش آن‌ها در راستای افزایش کارایی نظام بانکی کشور از اهمیت زیادی برخوردار است (زمان‌زاده، ۱۳۸۹). یکی از اولویت‌ها و محورهای کلیدی در هر طرح اصلاح اقتصادی کشور، اصلاح عملکرد نظام بانکی است و برای طراحی و اجرای چنین طرحی باید ابتدا ریشه‌های اصلی معضلات نظام بانکی کشور به نحو صحیح شناسایی و اولویت‌بندی شده و سپس براساس این شناخت، راهبرد اصلاحی طراحی و اعمال گردد.

بانکداری در ذات خود با ریسک‌های متعددی مواجه می‌باشد و امروزه با ورود تکنولوژی پیشرفته و پیچیده‌تر شدن این فعالیت و از جمله ظهور بانکداری الکترونیکی، پدیده ریسک بیش از پیش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. عدم توجه لازم و کافی به مقوله ریسک در سیستم مالی و به‌ویژه بانک‌ها در جهان، بحران‌های مالی کوچک و بزرگ در سطح کشوری و در مواردی در سطح منطقه‌ای - مانند بحران سال ۱۹۹۷ آسیای جنوب شرقی - را به‌مراه داشته است. هرچند

که ناکامی‌های نظام بانکی ممکن است به صورت یک حادثه غیرمترقبه و ناگهانی ظاهر شوند، اما غالباً اطلاعاتی مناسب در دسترس است که می‌تواند آسیب‌پذیری نظام بانکی را در مقابل بحران از قبل اعلام کند. در این رابطه باید شاخص‌های قابل اعتمادی را (مثلاً در مورد تغییرات سرمایه و افزایش مطالبات معوق) شناسایی نمود و مراقب تغییرات و وضعیت آن‌ها بود (شاهرخی، ۱۳۸۵).

بسیاری از عملیات بانک‌های اسلامی مشابه عملیات بانک‌های متعارف است و مدیریت ریسک در این قبیل عملیات قبلاً بارها در ادبیات مختلف بانکداری و اقتصادی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است، لکن در زمینه مدیریت ریسک در عملیات غیرمشابه این بانک‌ها با بانک‌های متعارف، یعنی آن دسته از عملیاتی که به اصطلاح عملیات مشارکتی یا مالکیتی است که خود متضمن ریسک‌های مشترک و ریسک‌های خاص می‌باشد و در اجرای آن‌ها باید از احکام اسلامی تبعیت شود، بحث زیادی به عمل نیامده است (نجم‌آبادی، ۱۳۸۱، ص ۱۶).

لذا با توجه به اهمیت و تأثیرگذاری سیاست‌های بخش پولی و بانکی در اقتصاد و با در نظر گرفتن شرایط کنونی و در راستای اهداف مورد تأکید اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری مخصوصاً بند نهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی یعنی "اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی"، پرداختن به پوشش ریسک‌های بانکی برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در حوزه بانکداری بسیار ضروری است. برای این منظور در این پژوهش به این سؤال پاسخ داده می‌شود که بانکداری ایران به طور خاص با چه ریسک‌هایی مواجه است و این‌که نتایج و اثرات وجود این ریسک‌ها در بانکداری ایران چیست. در گام بعدی نیز نقش پوشش ریسک‌های خاص بانکداری ایران در تحقق اهداف بند ۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بررسی خواهد شد.

سابقه پژوهش

مطالعات صورت گرفته در حوزه ریسک‌های بانکی به بررسی مبنایی منشأ ریسک و نقش آن در الگوی کنونی بانکداری بدون ربای ایران و تأثیر آن بر تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی و ایجاد ثبات در نظام مالی کشور نپرداخته‌اند:

شعبانی و رستاخیر (۱۳۹۱) معتقدند بانک‌های اسلامی به عنوان جایگزین بانک‌های متعارف در کشورهای اسلامی، با ریسک‌های متداول بانکداری روبه‌رو هستند، در مقابل بانکداری اسلامی متفاوت از بانکداری متعارف باشد و این تفاوت ناشی از وجود یک سیستم حقوقی به نام عقود اسلامی است. در نهایت نتایج این پژوهش با بررسی انواع ریسک در بانکداری بدون ربا براساس روش‌های مختلف تجهیز و تخصیص منابع، حاکی از آن است که ریسک‌های بانکداری متعارف و

ریسک‌های بانکداری بدون ربای ایران جز دو مورد ریسک نقدینگی و ریسک عملیاتی با یکدیگر تفاوت معناداری ندارند.

حسین‌زاده بحرینی (۱۳۹۳) عامل اصلی نارسایی‌های بانکداری بدون ربای فعلی در اجرای حقیقی عقود اسلامی را فضای استراتژیک بانکداری بدون ربا دانسته و بیان می‌دارد که بانکداری بدون ربا همواره با دو مسئله خطر اخلاقی و انتخاب معکوس مواجه می‌باشد، در نتیجه به صورت غیررسمی به فضای غیراستراتژیک بازگشت کرده است.

نظرپور و رضایی (۱۳۹۲) در پژوهش خود بدنبال اثبات این فرضیه هستند که عقود مبادله‌ای ریسک اعتباری کمتری در مقایسه با عقود مشارکتی برای مؤسسات مالی و بانک‌ها ایجاد می‌کند و به این نتیجه رسیده‌اند که عقود اسلامی غیرمشارکتی (مبادله‌ای) در مقایسه با عقود مشارکتی ریسک کمتری دربردارند، اما این عقود نیز واجد ریسک‌اند و بانک‌های اسلامی را در معرض ریسک اعتباری قرار می‌دهند و بانک‌ها در صورت عدم استقرار یک نظام مدیریت ریسک اعتباری متناسب، قادر به تشخیص میزان ریسک اعتبارات و تعیین زیان‌های احتمالی عدم بازپرداخت وام‌ها نیستند و در نتیجه قادر به تخصیص بهینه سرمایه خود نخواهند بود و از این‌رو، سودآوری آن‌ها نیز با تهدید اساسی مواجه خواهد شد.

ابوالحسنی و حسینی‌مقدم (۱۳۸۷) در مقاله «بررسی انواع ریسک و روش‌های مدیریت آن در بانکداری بدون ربا» ضمن بررسی ریسک‌های مرتبط با روش‌های گوناگون تخصیص منابع در بانکداری بدون ربای ایران، روش‌ها و ابزارهای خاصی را متناسب با فقه اسلامی، جهت مدیریت این ریسک‌ها ارائه می‌کنند. آنان برخی از روش‌های مدیریت ریسک متداول مانند: تبدیل به اوراق‌بهادار کردن دارایی‌ها، برای کاربرد در بانکداری بدون ربا را مناسب دانسته، به روش‌ها و تکنیک‌هایی جهت کاربرد در بانکداری بدون ربا اشاره کرده‌اند.

مهدوی‌نجم‌آبادی (۱۳۸۱) در مقاله «تفاوت‌های اساسی توزیع ریسک در دو نظام بانکداری اسلامی و سنتی»، به بررسی چهار نوع ریسک مالی، عملیاتی، بازار و برون‌سازمانی در بانکداری اسلامی و سنتی پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی با توجه به ویژگی‌های خاص آن بسیار مشکل‌تر از بانکداری سنتی است. راهکار وی برای کاهش ریسک‌های در معرض بانکداری اسلامی، شراکت در ریسک با گیرنده تسهیلات از راه گرفتن وثیقه به وسیله بانک و اجرای نظام وکالتی است.

کاظمی‌نژاد (۱۳۸۸) در مقاله خود به این نتیجه رسیده است که قسمت اعظم و شاید تمام ریسک‌های ناشی از فعالیت‌های غیر مشابه در بانکداری اسلامی که عمدتاً مربوط به عملیات اعتباری بانک‌های اسلامی می‌باشند، به دلایل مختلف، متفاوت از ریسک‌های شناخته شده در

بانکداری متعارفند. در عین حال، ظاهر فعالیت‌های بانک‌های اسلامی، به ویژه فعالیت‌های اعتباری آن‌ها، نشان می‌دهد که این بانک‌ها درگیر ریسک‌هایی بیش از ریسک‌های متداول در بانک‌های متعارف هستند و همین امر موجب شده است که نظریه‌پردازان به این باور برسند که بانک‌های اسلامی در مقام مقایسه با بانک‌های متعارف برای مقابله با ریسک، بار سنگینی را بردوش می‌کشند و با مشکل جدی در این زمینه روبرو می‌باشند.

به باور نگارندگان تحلیل‌ها و راهکارهای ارائه شده در پژوهش‌های مذکور، جامعیت کافی برای تحلیل پوشش ریسک‌های خاص بانکداری اسلامی را به نحوی که امکان اجرای حقیقی عملیات بانکداری بدون ربا و حفظ ماهیت اصلی عقود اسلامی تأمین گردد را نداشته و باید در این زمینه تحلیل جامعی انجام شده و راهکارهایی ساختاری ارائه گردد. به عبارت دیگر ساختار فعلی نظام بانکداری بدون ربا قابلیت اجرای حقیقی این عملیات بانکی یا عقود اسلامی را به دلیل مواجهه با ریسک‌های متعدد نداشته و چاره‌ای جز تغییر ماهیت ندارد. آن‌چه در بانکداری فعلی بدون ربا اتفاق افتاده تغییر ماهیت این نظام بانکی از بانکداری بدون ربا به بانکداری متعارف می‌باشد. این پژوهش ضمن بررسی انواع ریسک‌ها در دو نوع بانکداری متعارف و بدون ربا، تحلیلی از جایگاه ریسک در بانکداری بدون ربا و نقش پوشش آن در اقتصاد مقاومتی ارائه می‌دهد که زمینه را برای ارائه راهکارهای ساختاری بدیعی که علاوه بر پوشش ریسک‌های خاص بانکی، امکان اجرای حقیقی عملیات بانکی بدون ربا و حفظ ماهیت اصلی عقود اسلامی را تأمین کند، فراهم می‌آورد.

معرفی ریسک‌های خاص بانکی در بانکداری بدون ربا ایران

نظام بانکداری ایران در تخصیص و تجهیز منابع با ریسک‌های ذیل روبرو می‌باشد:

۱. برخی از ریسک‌هایی که همه بانک‌های متعارف و اسلامی در برخورد با آن مشترک هستند (ریسک‌های مشترک)؛

۲. ریسک‌هایی که فقط نظام مالی اسلامی با آن روبرو می‌شود (ریسک‌های خاص)؛

در این قسمت با عنوان ریسک‌های خاص بانکی در بانکداری بدون ربا ایران، به معرفی و بررسی ماهیت ریسک‌های خاص می‌پردازیم. تفکیک ریسک‌های خاص از ریسک‌های مشترک با مقایسه تعاریف ارائه شده برای ماهیت هر یک از ریسک‌ها انجام می‌شود. ممکن است شدت و ضعف برخی از ریسک‌ها در دو نوع بانکداری نیز متفاوت باشد، اما ماهیت این ریسک یکسان باشد. در این پژوهش در صورت تفاوت میزان ریسک‌های با ماهیت یکسان، این ریسک‌ها بررسی نمی‌شوند.

ریسک در اقتصاد اسلامی

واژه‌نامه آکسفورد، ریسک را به امکان وقوع پیشامدی زیان‌بار در آینده ترجمه کرده است. واژه‌نامه مدیریت مالی نیز ریسک را به وضعیتی ترجمه کرده که در آن وقوه پیشامدها احتمالی است (Abrol & Sharama, 2003: 892-893). ریسک ما را با وضعیتی مرکب از خطر و فرصت روبرو می‌سازد. ریسک دز حوزه سرمایه‌گذاری مربوط به جریان‌های نقدی آتی هر سرمایه‌گذاری است. ریسک سرمایه‌گذاری، احتمال وقوع بازده واقعی به غیر آن چه که انتظار می‌رود، است؛ بنابراین هر اندازه تغییرپذیری نتیجه‌ها بیشتر باشد سرمایه‌گذاری، ریسک‌دارتر خواهد بود (راعی و تلنگی، ۱۳۸۷: ۱۱۴ به نقل از مصباحی‌مقدم، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲).

ریسک اقسام گوناگونی دارد. مصباحی‌مقدم و صفری با بررسی اقسام ریسک از ابعاد گوناگون، معیارهای تحمل ریسک مورد نظر اسلام را احصاء می‌نمایند. ریسک را هم‌چون کار می‌توان به دو گونه مفید و غیرمفید تقسیم کرد. ریسک مفید به ریسکی اطلاق می‌شود که تحمل آن نزد عقلا پسندیده شمرده شود، در حالی که پیامدهای ریسک غیرمفید، نه تنها ارزشمند نیست، بلکه عبث و بیهوده تلقی می‌شود. ریسک از منظری دیگر به ریسک مولد و غیرمولد تقسیم می‌شود. ریسک مولد، ریسکی است که متضمن ارزش افزوده است، در حالی که ریسک غیرمولد، ریسکی فاقد ارزش افزوده است. ریسک از بُعدی دیگر به ریسک قابل کنترل و غیرقابل کنترل تقسیم می‌شود. ریسک قابل کنترل می‌تواند بوسیله تصمیم‌گیرنده کنترل شود یا تحت تأثیر قرار گیرد، در حالی که تصمیم‌گیرنده در ریسک غیرقابل کنترل، هیچ‌گونه کنترلی بر ریسک ندارد. به ریسک قابل کنترل، ریسک واکنشی و به ریسک غیرقابل کنترل شانس نیز گفته می‌شود. علاوه بر این ریسک مالی پذیرش مخاطره در امور مالی است، در حالی که ریسک غیرمالی پذیرش خطر جانی، اجتماعی، امنیتی و... است؛ بطورمثال هنگامی که کارفرما سرمایه خود را به امید کسب سود به خطر می‌اندازد، با ریسک مالی روبرو است، در حالی که کارگر برای رسیدن به دستمزد سلامتی خود را به مخاطره می‌افکند و با ریسک غیرمالی روبرو است (مصباحی‌مقدم و صفری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲-۱۲۴).

مصباحی‌مقدم و صفری پس از بررسی انواع ریسک‌ها از منظر اقتصاد اسلامی چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که فقط پذیرش ریسکی از نظر اسلام جایز است که اولاً مفید و ثانیاً مولد و ثالثاً قابل کنترل باشد. بنابراین در تصمیم‌گیری و سرمایه‌گذاری مالی، ریسک مورد نظر اسلام، ریسک مفید، مولد، قابل کنترل و مالی است که آن را این‌گونه تعریف می‌کنیم: «پذیرش تمام یا بخشی از خطرهای مالی قابل کنترل ناشی از سرمایه‌گذاری اقتصادی به منظور تملک تمام یا بخشی از سود احتمالی حاصل از آن» (مصباحی‌مقدم و صفری، ۱۳۸۸، ص ۱۳۴).

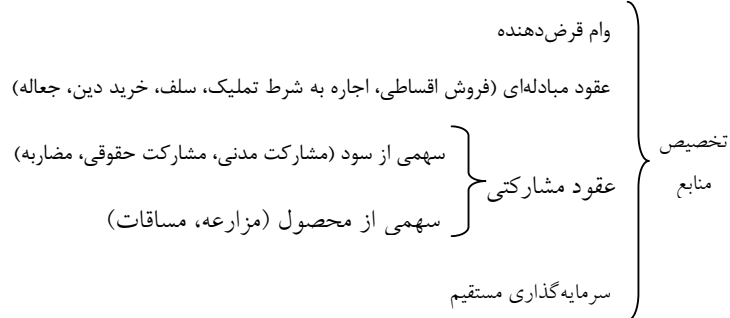
اما برای بررسی بهتر مفهوم ریسک در نظام بانکداری، لازم است تفاوت میان مفهوم غرر و ریسک تبیین گردد. فریب و غرر در مواردی اتفاق می‌افتد که ظاهر معامله فریبنده و باطن آن مجهول باشد، به گونه‌ای که آن را در معرض خطر معاملی، یعنی اختلاف بعد از معامله قرار دهد، به شکلی که در هنگام نزاع نتوان راه حلی برای آن جستجو کرد و حاصل این فرایند چیزی جز ضرر و خطر نیست. تردیدی نیست که در عقد بیع هیچ گونه ابهامی نباید اصل عقد یعنی ثمن، مثنی و نحوه انتقال آن را مورد هدف قرار دهد. همچنان که تردیدی نیست که نتایج مبهم بعدی عقود از این فهم عرفی به دور است؛ از جمله در معاملاتی مثل مزارعه، مساقات، مضاربه، شرکت و... این‌ها قراردادهایی شرعی هستند که ابهام در نتایج آن‌ها آگاهانه بوده و برای همین نیز تقسیم سود در این‌ها براساس نسبت‌های درصدی تعیین می‌شود (تسخیری، ۱۳۹۲، صص ۷-۸).

ریسک در نظام کنونی بانکداری بدون ربای ایران

در این قسمت به بررسی نظام بانکداری بدون ربای ایران در بخش تجهیز و تخصیص منابع (منابع و مصارف) می‌پردازیم. همچنین با توجه به این‌که بحث مدیریت ریسک بیشتر در بخش تخصیص و تجهیز منابع (منابع و مصارف) کاربرد دارد، از بررسی خدمات بانکی در بانکداری بدون ربای ایران صرف‌نظر می‌کنیم. در قسمت تجهیز منابع، با توجه به ماده‌های سه تا شش قانون بانکداری بدون ربا، سه نوع سپرده در نظام بانکی ایران وجود دارد: سپرده قرض‌الحسنه جاری، سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز و سپرده سرمایه‌گذاری. همچنین در قسمت تخصیص منابع، با توجه به ماده‌های هفت تا هفده قانون بانکداری بدون ربا، نظام بانکی می‌تواند وجوه و منابع حاصل از سپرده‌ها را با استفاده از روش‌های ذیل تخصیص دهد؛ شکل ذیل این روش‌ها را به‌طور خلاصه نشان می‌دهد:

شکل ۱: روش‌های تخصیص منابع در نظام بانکداری بدون ربای فعلی (منبع: یافته‌های

مؤلف)



تحقیقات نشان می‌دهد ریسک در نظام بانکداری بدون ربای ایران، ماهیت منحصر به فردی دارد. در دیدگاه خاص بانکداری بدون ربا، مشتریان سرمایه‌گذار تلقی می‌شوند؛ از این‌رو، برخی از تمهیدات و ابزارهای بانکداری متعارف در سیستم بانکداری بدون ربا کاربرد ندارند. روش‌های تجهیز و توزیع منابع پولی در بانکداری بدون ربا از زمینه سرمایه‌گذاری برخوردارند و مدیریت ریسک ویژه‌ای را طلب می‌کنند. در واقع، بانکداری بدون ربا با اتکای بر فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در معرض کلیه ریسک‌های مربوط به شفافیت محیط مالی و اقتصادی بستگی دارد. در بانک اسلامی که سپرده‌گذاران سرمایه‌گذار تلقی می‌شوند، بانک از سوی آن‌ها به تخصیص و بکارگیری پول و منابع مالی در فعالیت‌های سودآور مبادرت می‌ورزد و این به منظور برخورداری از مدیریت پورتنفوی و اتکای به شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بازار سرمایه کارا زمینه‌ساز است (کدخدایی، ۱۳۸۰، ص ۵). استفاده از اصل مشارکت در سود برای پاداش سپرده‌گذاران، منحصر به بانکداری بدون ربا است. بکارگیری این جنبه منحصر بفرد بانکداری بدون ربا در روش‌های مختلف تأمین مالی، ماهیت ریسک‌های در معرض بانکداری بدون ربا را تغییر داده است (خان و احمد، ۱۳۸۷، ص ۲۵). زمینه پذیرش ریسک بیشتر، الزام وثیقه‌گیری کمتر و تسهیم زیان به مانند سود و در واقع، نقش پوششی شوک‌های مالی ناشی از پروژه‌های تأمین مالی شده، مجموعه مخاطرات در بانکداری بدون ربا را بازگو می‌کنند. در این مجموعه، شرایط عدم اطمینان، امکان تراکم ریسک‌های نامطلوب، دشواری شناسایی و ارزیابی فرصت‌های بازار مربوط به پروژه‌های سرمایه‌گذاری، مسائل قیمت‌گذاری و ارزیابی سود، نظارت بر فعالیت سرمایه‌گذار و مدیریت فعالیت‌های مشمول تسهیلات بانکی نیز بردامنه مخاطرات می‌افزایند (کدخدایی، ۱۳۸۰، ص ۴).

علاوه بر ریسک‌های خاص بانکداری بدون ربا، عوامل عمومی‌تر دیگری وجود دارد که عملیات بانکداری بدون ربا را پرخطرتر، یا کم منفعت‌تر از بانکداری متعارف می‌نماید. این عوامل عبارت‌اند از:

۱. کمبود ابزارها و روش‌های حمایتی و مقابله با ریسک. مثل منع ربا در شریعت اسلامی و فقه و احتمال پیدایش قرار (ریسک زیاد) در ابزارهای حمایتی همچون حق معامله، معامله آتی و از پیش.
۲. محدودیت یا عدم وجود تسهیلات وام دهنده نهایی یا بانک مرکزی. این محدودیت نیز به علت نبودن ابزار مناسب و منطبق بر اصل ممنوعیت ربا می‌باشد. ولی روشی مناسب از طریق بانک نگارا (بانک مرکزی مالزی) به کار رفته که، بانک‌ها می‌توانند از یک روش سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت بین بانکی از طریق مشارکت در سود و زیان، اقدام به تأمین نیازهای کوتاه‌مدت خود بنمایند. تکمیل این روش می‌تواند کمک مؤثری در این زمینه بنماید. به واسطه ریسک زیادی که بانک‌های اسلامی با آن مواجه هستند، آن‌ها موظف هستند که سپرده احتیاطی قابل توجهی نزد بانک مرکزی قرار

دهند. این امر باعث شده که از سود آن‌ها کاسته شود، زیرا سپرده‌های احتیاطی، یا سود ندارد، و یا از حداقل سود برخوردار می‌باشد. این مطلب باعث شده که از قدرت رقابتی آن‌ها کاسته و برشکنندگی آن‌ها در برابر تکانه‌های خارجی، اضافه گردد که عواقب بالقوه خود را به دنبال دارد. (حسن‌زاده و سپهری، ۱۳۸۳، ص ۹۳).

بررسی کارشناسانه تجربه بانکداری بدون ربا در ایران آثار ناشی از وجود ریسک را در زمینه‌های مختلفی بیان می‌کند، از قبیل: نیاز به اطلاعات تخصصی و حرفه‌ای (فنی، تولیدی، صنعتی، کشاورزی) برای ارزیابی پروژه نظارت بر عملیات شرکا، عدم وثیقه‌گیری در مضاربه و مشارکت، نیاز به روش‌های کاربردی در زمینه وام‌های بانکی، آسیب‌پذیری از روند فزاینده تورم و نوسان وام‌های بانکی، آسیب‌پذیری از روند فزاینده تورم و نوسان ارزش پول، عدم پذیرش ریسک معاملاتی توسط سپرده‌گذاران، نیاز به تنوع ابزار پوشش ریسک مشابه نظام بانکی متعارف، مشکل تزریق پولی پیاپی به اقتصاد و عدم استفاده از رشد درونزا (کدخدایی، ۱۳۸۰، صص ۷-۸).

تقسیم‌بندی ریسک‌های خاص بانکی در بانکداری بدون ربا ایران

در این جا به طور خلاصه مهم‌ترین ریسک‌های خاص بانکی بانکداری بدون ربا را در تجهیز و توزیع منابع می‌آوریم. علاوه بر این ریسک‌ها، ریسک‌هایی نیز وجود دارند که مربوط به کل نظام بانکداری بدون ربا می‌باشند؛ این ریسک‌های عمومی نیز در قسمت ریسک‌های عمومی بانکداری بدون ربا ذکر شدند.

جدول ۱: ریسک‌های خاص بانکی بانکداری بدون ربا در تجهیز و توزیع منابع

(منبع: یافته‌های مؤلف)

انواع ریسک	روش‌های تجهیز و توزیع منابع	اقلام اصلی
	ریسک‌های عمومی	نظام بانکداری بدون ربا
	نقدینگی، نرخ بازدهی، نرخ پایه، قانونی، برداشت، تجاری جابجایی، کاهش سپرده، دولت، عملیاتی (شامل شفافیت، پرداخت مصلحتی، شریعت و مباشرت)	
سرمایه گذاری مجدد	قرض الحسنه	منابع (بدهی‌ها)
مالی و ورشکستگی، مقررات، صنعت، سیستماتیک، اقتصادی و اجتماعی، عملیاتی	سپرده قرض الحسنه پس انداز	
مالی و ورشکستگی، مقررات، صنعت، سیستماتیک، اقتصادی و اجتماعی، عملیاتی	سپرده قرض الحسنه جاری	
مالی و ورشکستگی، مقررات، صنعت، سیستماتیک، اقتصادی و اجتماعی، عملیاتی	سپرده سرمایه گذاری کوتاه‌مدت	
مالی و ورشکستگی، مقررات، صنعت، سیستماتیک، اقتصادی و اجتماعی، عملیاتی	سپرده سرمایه گذاری بلند مدت	

قرض	قرض الحسنه	اعتباری
قرض مشارکتی	مشارکت مدنی	صنعت، سیستماتیک، تنزل سرمایه، سرمایه گذاری مجدد، عدم شفافیت، اشتباهات مدیریتی، بازار، تورم، نوسانات نرخ بهره و ارز، سرمایه گذاری در ابزارهای مالکیتی
	مشارکت حقوقی	صنعت، سیستماتیک، تنزل سرمایه، سرمایه گذاری مجدد، اشتباهات مدیریتی، بازار، تورم، نوسانات نرخ بهره و ارز
	مضاربه	صنعت، سیستماتیک، تنزل سرمایه، سرمایه گذاری مجدد، اشتباهات مدیریتی، بازار، تورم، نوسانات نرخ بهره و ارز، اخلاقی، سرمایه گذاری در ابزارهای مالکیتی، اعتباری
مصارف (دارایی‌ها)	مزارعه	صنعت، سیستماتیک، سرمایه گذاری مجدد، نقدینگی، بازار، اعتباری
	مساقات	صنعت، سیستماتیک، سرمایه گذاری مجدد، نقدینگی، بازار، اعتباری
	اجاره	سیستماتیک، سرمایه گذاری مجدد، نرخ اجاره، عدم تعدیل، اعتباری، قیمت
	جماله	سیستماتیک، سرمایه گذاری مجدد، عقد جایز، نقدینگی، اعتباری
	سلف	نقدینگی، سرمایه گذاری مجدد، بازار، نقدینگی، طرف مقابل، قیمت، اعتباری
	فروش اقساطی	سیستماتیک، سرمایه گذاری مجدد، نقدینگی، تورم، نرخ ارز و بهره، عدم تعدیل
	خرید دین	سیستماتیک، سرمایه گذاری، تورم، ورشکستگی و مالی، اعتباری، قیمت
	مراجعه	طرف مقابل، قیمت
	استصناع	قیمت
	سرمایه گذاری	سرمایه گذاری مستقیم

در مجموع، براساس بررسی‌های فوق می‌توان با توجه به ماهیت عملیات بانکی بدون ربا و با در نظر گرفتن انواع ریسک‌های مختلفی که به طور کلی بانک‌ها را تهدید می‌کند، ریسک‌های مذکور را از دیدگاه بانکداری بدون ربا به گروه‌های زیر تقسیم بندی می‌نماید:

۱. ریسک‌های ناشی از عملیاتی که ماهیتاً تابع موازین و احکام اسلامی نیستند، لکن این عملیات چه در محیط بانک اسلامی و چه در محیط بانک غیر اسلامی یکسان اجرا می‌شوند.
۲. ریسک‌های ناشی از عملیاتی که ماهیتاً تابع موازین و احکام اسلامی هستند، لکن این عملیات چه در محیط بانک اسلامی و چه در محیط بانک غیراسلامی یکسان اجرا می‌شوند.
۳. ریسک‌های ناشی از عملیاتی که ماهیتاً تابع موازین و احکام اسلامی نیستند، لکن این عملیات فقط در بانک اسلامی اجرا می‌شوند.

ریسک در گروه اول بیشتر از جمله مصادیق ریسک‌های ناشی از فعالیت‌های عملیاتی است که اصطلاحاً به آن‌ها ریسک عملیاتی اطلاق می‌شود. گروه دوم، آن دسته از عملیاتی را شامل می‌شود که به رغم ماهیت اسلامی آن‌ها در هر دو محیط بانک اسلامی و غیراسلامی به کار گرفته می‌شوند. در نتیجه، قسمت عمده و شاید تمام ریسک‌های ناشی از این عملیات در هر دو محیط یکسان است.

تسهیلات مربوط به اجاره به شرط تملیک، فروش اقساطی، اعطای قرض یا وام (در شکل حسنه)، قبول سپرده‌های استقراضی، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم بانک، خرید و فروش سهام، نمونه‌های این موارد می‌باشند، که ریسک و مدیریت آن در این گونه موارد در هر دو محیط کاملاً مشابه هستند. گروه سوم گروهی خاص است که ریسک آن‌ها منتج از فعالیت‌هایی است که هم ماهیتاً تابع احکام و موازین اسلامی می‌باشد و هم مشابه این عملیات در بانکداری متعارف وجود ندارد (نجم آبادی، ۱۳۸۱، ص ۶).

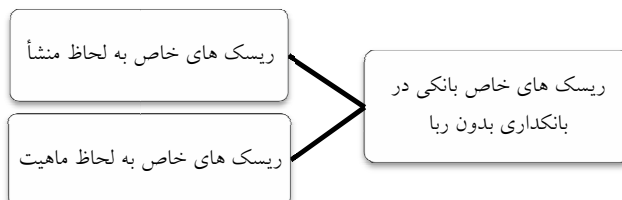
در مورد گروه دوم و سوم از ریسک‌ها، می‌توان این تقسیم‌بندی را ارائه کرد:

۱. ریسک‌هایی که به لحاظ ماهیت تفاوتی با ریسک‌های مشابه خود در بانکداری متعارف ندارند اما به لحاظ منشأ ایجاد ریسک متفاوت‌اند؛ به عبارت دیگر نتیجه‌ای که برای بانک دارد، در هر دو بانک اسلامی و متعارف متصور است اما عامل ایجاد آن در بانکداری اسلامی فعالیت‌های غیرمشابه می‌باشد.

۲. ریسک‌هایی که نه تنها به لحاظ منشأ ایجاد بلکه به لحاظ ماهیت نیز متفاوت از ریسک‌های بانکداری متعارف می‌باشند؛ به عبارت دیگر نتیجه‌ای که برای بانک دارد، تنها در بانکداری بدون ربا متصور است و در بانکداری متعارف امکان ایجاد چنین ریسک‌هایی برای بانک وجود ندارد. با مقایسه تعاریف ریسک‌ها می‌توان گفت این ریسک‌ها عبارت‌اند از: ریسک‌های عملیاتی، ریسک نرخ بازدهی، ریسک نرخ پایه، ریسک سرمایه‌گذاری در ابزارهای مالکیتی، ریسک عدم تعدیل، ریسک نرخ اجاره، ریسک عقد جایز و ریسک طرف مقابل.

بنابراین ریسک‌های خاص بانکی در بانکداری بدون ربا را، بصورت نمودار زیر می‌توان تقسیم‌بندی نمود:

نمودار ۱: ریسک‌های خاص بانکی در بانکداری بدون ربا (منبع: یافته‌های مؤلف)



نتیجه برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که انواع ریسک‌ها در بانکداری بدون ربا تا حد فراوانی شبیه بانکداری متعارف است و فقط تفاوت‌هایی در سطوح ریسک وجود دارد (Ariffin, Archer & Karim, 2008, p.158). به نقل از حسین‌پور و کاوند، ۱۳۹۲، ص ۴). تفاوت بین ریسک‌های دو نظام بانکی در منشأ ایجاد آن‌ها می‌باشد.

بسیاری از عملیات بانک‌های اسلامی مشابه عملیات بانک‌های متعارف است و مدیریت ریسک در این قبیل عملیات قبلاً بارها در ادبیات مختلف بانکداری و اقتصادی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. لکن در زمینه مدیریت ریسک در عملیات غیرمشابه این بانک‌ها با بانک‌های متعارف، یعنی آن دسته از عملیاتی که به اصطلاح عملیات مشارکتی یا مالکیتی است که خود متضمن ریسک‌های مشترک و ریسک‌های خاص می‌باشد و در اجرای آن‌ها باید از احکام اسلامی تبعیت شود، بحث زیادی به عمل نیامده است (نجم‌آبادی، ۱۳۸۱، ص ۱۶). حال مسأله این جاست که آیا با وجود این ریسک‌های متعدد در اجرای عملیات بانکداری بدون ربا آیا امکان اجرای کامل و حقیقی بانکداری بدون ربا وجود دارد یا نه؟ و این که چگونه ریسک‌های اجرای این الگوی بانکداری پوشش داده می‌شوند؟ تحلیل پدیده ریسک‌های خاص بانکی در ایران و راهکارهای پوشش آن‌ها، مسأله‌ای است که بر مبنای اهداف بند ۹ اقتصاد مقاومتی باید به آن‌ها پاسخ داده شود.

نتایج و اثرات منفی وجود ریسک‌های خاص بانکی در بانکداری بدون ربا ایران

وجود ریسک‌های خاص بانکی در نظام بانکداری بدون ربا فعلی، نتایج و کارکردهای منفی‌ای در اجرای نظام بانکداری بدون ربا فعلی در بردارد. بررسی کارشناسانه تجربه بانکداری اسلامی در ایران، آثار ناشی از وجود ریسک را در زمینه‌های مختلفی بیان می‌کند، از قبیل: نیاز به اطلاعات تخصصی و حرفه‌ای (فنی، تولیدی، صنعتی، کشاورزی) برای ارزیابی پروژه نظارت بر عملیات شرکا، عدم وثیقه‌گیری در مضاربه و مشارکت، نیاز به روش‌های کاربردی در زمینه وام‌های بانکی، آسیب‌پذیری از روند فزاینده تورم و نوسان وام‌های بانکی، آسیب‌پذیری از روند فزاینده تورم و نوسان ارزش پول، عدم‌پذیرش ریسک معاملاتی توسط سپرده‌گذاران، نیاز به تنوع ابزار پوشش ریسک مشابه نظام بانکی متعارف، مشکل تزریقات پولی پیاپی به اقتصاد و عدم استفاده از رشد درونزا (کدخدایی، ۱۳۸۰، صص ۷-۸). همچنین به واسطه ریسک زیادی که بانک‌های اسلامی با آن مواجه هستند، آن‌ها موظف هستند که سپرده احتیاطی قابل توجهی نزد بانک مرکزی قرار دهند. این امر باعث شده که از سود آن‌ها کاسته شود، زیرا سپرده‌های احتیاطی، با سود ندارد، و یا از حداقل سود برخوردار می‌باشند. این مطلب باعث شده که از قدرت رقابتی آن‌ها کاسته و برشکنندگی آن‌ها در برابر تکانه‌های خارجی، اضافه گردد که عواقب بالقوه خود را به دنبال دارد (حسن‌زاده و سپهری، ۱۳۸۳، ص ۹۳).

اما نتایج عملی وجود این ریسک‌ها در بانکداری بدون ربای ایران را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی نمود:

دریافت سود ثابت

بانکداری بدون ربا در یک فضای استراتژیک به فعالیت می‌پردازد؛ نتیجه این امر این است که سود بانک اسلامی (در عقود مشارکتی) به صورت درون‌زا تعیین می‌شود؛ یعنی وابسته به عملکرد مشتری (گیرنده تسهیلات) و سود یا زیان واقعی است که او ابراز می‌کند. در سیستم بانکداری غیر ربوی، به خاطر وجود مشکل انتخاب بد و خطر اخلاقی، دائماً با مسأله اثبات پذیری مواجه می‌شود؛ در این‌جا طبق نظریه بازی‌ها بهترین استراتژی برای بانک، ورود مشروط به بازی مشارکت واقعی است؛ یعنی تعارض از این‌جا آغاز می‌شود که بانک‌ها به ناچار به طور غیررسمی به قرض ربوی بازگشت می‌کنند. این امر به دو صورت انجام می‌شود: یا از طریق تمرکز بر عقود مبادله‌ای و یا محتوا زدایی از عقود مشارکتی (حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۹۳).

اگر بانک به صورت واقعی در یک پروژه شریک شود، هرگونه خطر یا زیان عمدی و غیرعمدی که در مورد پروژه ممکن است رخ دهد، منابع بانک را تهدید می‌کند و از آن‌جا که منابع بانک برای خودش نیست و متعلق به سپرده‌گذاران است و درجه ریسک‌پذیری سپرده‌گذاران معمولاً کم است، پذیرش این میزان ریسک برای بانک اساساً امکان‌پذیر نخواهد بود. از آن‌جا که بانک نمی‌تواند این میزان از ریسک را بپذیرد، بندهای موجود در قرارداد را طوری تغییر می‌دهد تا در حد امکان همه ریسک‌های موجود در پروژه را به مشتری منتقل کند و به دریافت سود ثابت اکتفا می‌کند (مختاری، ۱۳۹۲، ص ۸۵). محتوا زدایی از عقود مشارکتی نیز خود را به صورت عملکرد عقود ترکیبی نشان می‌دهد که ساختار اصلی بانکداری ایران را شکل می‌دهد. این قراردادها با نگاه شبیه‌سازی بانکداری مبتنی بر بهره طراحی شده‌اند و لذا در عمل تقریباً همان آثار نظام بهره را برجا می‌گذارند. عدم توجه طراحان نظام بانکی به فلسفه احکام، اصل عدالت در قراردادها و نتایج و آثار حاصل از عقود خود ساخته، باعث شده تا نظام بانکی ایران اولاً پیچیده و ناکارآمد باشد و ثانیاً از شبهه ربوی بودن رنج ببرد. (علوی، ۱۳۸۸، ص ۵۴).

افزایش بنگاهداری

با توجه به این امر که در بانکداری بدون ربا با اعطای تسهیلات (سرمایه‌گذاری)، بانک تا تکمیل طرح و بازپرداخت تسهیلات راه خروج ندارد، بنابراین اگر طرح سودآور نباشد و به هر دلیل دیگر

بازپرداخت صورت نپذیرد، بانک تسهیلات‌دهنده مشکلات عدیده خواهد داشت. تحت این روش بانکداری، موضوع بررسی اولیه و نحوه تصویب تسهیلات بسیار با اهمیت شده و بانک‌ها فقط راضی به قبول حداقل ریسک می‌شوند. یا به عبارت دیگر فقط کسانی که سابقه مورد نظر بانک را داشته، اطلاعات کافی داخلی و خارجی نسبت به حال و آینده طرح مورد نظر داشته و از سایر شرایط لازم برای استفاده از تسهیلات برخوردار باشند می‌توانند از تسهیلات بانکی استفاده نمایند. بدین ترتیب در این سیستم به صورت ناخودآگاه روشی را انتخاب نموده‌ایم که متقاضیان تسهیلات را محدود کرده و احتمالاً به سرمایه‌گذاری در کشور لطمه‌زده‌ایم. این موضوع غیرمنطقی نیست، چه هر سرمایه‌پذیری آمادگی بیشتری برای قبول سرمایه از طریق استقراض دارد تا سرمایه‌گذار را به عنوان شریک در طرح سودآور خود قبول نماید (عقیلی کرمانی، ۱۳۸۱، ص ۵). در حقیقت ریسک‌های بانکی، بانک‌ها را به سمت بنگاه‌داری سوق داده و امکان تخصیص بهینه منابع را کاهش می‌دهد؛ در حقیقت بنگاه‌داری را به عنوان راهکاری برای پوشش ریسک‌های بانکی اتخاذ می‌کنند.

در این مورد نیز در سال ۱۳۸۶ در اجرای ماده ۳۴ قانون پولی و بانکی کشور، شامل‌بند ناظر به جلوگیری از بنگاه‌داری بانک‌ها، بانک مرکزی با هدف پیشگیری از بنگاه‌داری محض و نیز مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری‌های بانک‌ها، مقررات سرمایه‌گذاری را تدوین کرد و به تصویب شورای پول و اعتبار رسانید. مجموعه مقررات احتیاطی در بانک مرکزی، البته با بهره‌گیری از استانداردهای بانکداری بین‌المللی به گونه‌ای تدوین شده‌اند که ضمن کنترل ریسک‌ها، رویکردش قرار دادن فعالیت‌های بانکی در کانال صحیح خود است (ایرنا، ۱۳۹۳).

کاهش شمولیت مالی

طبق تعریف OECD شمولیت مالی عبارتست از فرایند توسعه دسترسی کافی، به هنگام و با هزینه کم به خدمات و محصولات مالی و کمک به افزایش استفاده از آن توسط عموم افراد جامعه. خدمات و محصولات مالی شامل: داشتن حساب بانکی، امکان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، اخذ اعتبار، خدمات بیمه‌ای (به ویژه بیمه عمر). سازمان ملل، ۳ هدف اصلی برای توسعه شمولیت مالی بیان کرده است:

۱. ایجاد دسترسی با هزینه معقول برای خانوارها به دامنه وسیعی از خدمات مالی شامل پس‌انداز و سپرده‌گذاری، خدمات انتقال و پرداخت، خدمات اعتباری و بیمه.

۲. نهادهای مالی شفاف و امن که توسط استانداردهای عملکردی و مقررات شفاف خدمات ارائه می‌دهند.

۳. ثبات و پایداری مالی و نهادی به منظور ایجاد اطمینان از ادامه دار بودن ارائه خدمات و امنیت سرمایه‌گذاری (به نقل از سعیدی، ۱۳۹۴).

این در حالی است که به دلیل مشکلات اساسی در نظام بانکداری بدون ربا به صورت ناخودآگاه روشی را انتخاب نموده‌ایم که متقاضیان تسهیلات را محدود کرده و احتمالاً به سرمایه‌گذاری در کشور لطمه زده‌ایم. این موضوع غیرمنطقی نیست، چه هر سرمایه‌پذیری آمادگی بیشتری برای قبول سرمایه از طریق استقراض دارد تا سرمایه‌گذار را به عنوان شریک در طرح سودآور خود قبول نماید (عقیلی کرمانی، ۱۳۸۱، ص ۵).

به طور کلی می‌توان گفت بانک‌ها در اجرای کامل قانون عملیات بانکی بدون ربا عاجزند. ریشه اصلی مشکل عدم تحقق کامل نظام بانکداری اسلامی در کشور ما در سه دهه گذشته غفلت یا تعادل بانک مرکزی و مدیران شبکه بانکی از ماهیت استراتژیک یا به عبارت دیگر لزوم تعامل طرفین در فضای عملیاتی بانکداری بدون ربا می‌باشد (حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۹۳). تفاوت ماهوی دو نظام بانکی اسلامی و متعارف و مواجهه بانکداری بدون ربا با هزینه‌ها و ریسک‌های بانکی متعدد، عملاً باعث معلق ماندن اجرای واقعی عقود اسلامی و تعامل مقتضی طرفین در نظام بانکی فعلی شده است و در نتیجه نظام بانکی فعلی ترجیح می‌دهد به طور غیررسمی به قرض ربوی بازگشت کرده و یا با افزایش بنگاهداری، شمولیت مالی را کاهش دهد؛ نتیجه بدست آمده را می‌توان در شکل زیر نشان داد:

مدل مفهومی ۱: نتایج و اثرات منفی وجود ریسک‌های خاص بانکی در بانکداری بدون ربا فعلی (منبع: یافته‌های مؤلف)



در این بخش در واقع به این پرسش که چرا بانک‌ها از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا عاجز هستند؟ پاسخ داده شده و اشاره شد که تأمین مالی اسلامی بیشتر با ابزارهای مالکیتی است که اقتضای تعامل طرفین را دارد و طبعاً ریسک بانک اسلامی نیز در فعالیت مالکیتی بیشتر است. وجود ریسک‌های ناشی از ورود بانک به یک فضای استراتژیک باعث ورود مشروط بانک به بازی مشارکت واقعی می‌شود؛ یعنی تعارض از این جا آغاز می‌شود که بانک‌ها به ناچار به طور غیررسمی به قرض ربوی بازگشت می‌کنند. به طور کلی باید گفت نظام بانکداری فعلی توان اجرای واقعی عقود اسلامی را ندارد، چرا که اقتضای ماهیت اصلی این عقود تعامل طرفین عقد می‌باشد؛ اما بانکداری فعلی چنین ظرفیتی نخواهد داشت و همواره با ریسک‌های متعدد بانکی مواجه خواهد بود.

لذا اساساً باید معماری دیگری از بانکداری ارائه کرد تا ضمن اجرای حقیقی عقود اسلامی با ریسک‌های کمتری نیز مواجه باشد.

جایگاه و نقش پوشش ریسک‌های خاص بانکی در تحقق اهداف بند نهم

معرفی اهداف اصلی بند نهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

روحانی (۱۳۹۳) شاخص‌های ارزیابی تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را در نظام مالی چنین برمی‌شمارد:

۱. ایجاد ثبات در اقتصاد ملی (اقتصاد کلان) که سه شاخص اصلی برای بررسی آن وجود دارد: نرخ تورم و واریانس آن، اختلاف نرخ ارز حقیقی و نرخ ارز رسمی و بزرگ‌ترین سهم واحدهای ارزی مختلف در سبد دارایی‌های ارزی بانک مرکزی و شبکه بانکی.

۲. ایجاد ثبات در اقتصاد ملی (نظام بانکی) که سه شاخص متوسط نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها، سود حقیقی سپرده‌ها و تسهیلات و اختلاف نرخ سود سپرده و تسهیلات، نشان‌دهنده این هدف می‌باشند.

۳. پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی اقتصاد (قرض‌الحسنه) که در شاخص نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به سپرده‌های قرض‌الحسنه نمایان است.

۴. پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی اقتصاد (دارایی‌های ناسالم نظام بانکی) که شاخص‌های اصلی آن عبارت است از: نسبت مطالبات غیر جاری در کل شبکه بانکی به کل مطالبات شبکه بانکی پس از کسر مطالبات استمهال شده، میانگین نسبت مانده خالص دارایی‌های ثابت به حقوق صاحبان سهام در شبکه بانکی و میانگین نسبت مجموع تسهیلات و تعهدات به اشخاص مرتبط (ذینفع واحد) به سرمایه بانک‌ها.

۵. پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی اقتصاد (چک برگشتی)، که نسبت تعداد چک‌های برگشتی به کل چک‌های مبادله شده، می‌تواند این هدف را نمایان سازد.

به طور کلی می‌توان گفت در بند نهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر چهار مؤلفه اصلی برای حفظ ثبات مالی در اقتصاد تأکید شده است، که عبارت‌اند از: اصلاح و تقویت نظام مالی، ثبات مالی، ثبات اقتصاد ملی و تقویت تولید ملی (سیف، راهی دهقی، مرشدی، ۱۳۹۳).

نقش پوشش ریسک های خاص بانکی در تحقق اهداف بند نهم

یکی از زیرساخت‌های مورد نیاز برای ترویج اقتصاد مقاومتی در کشور به خصوص در بخش مالی، بانکداری مقاومتی می‌باشد، چرا که یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور، بازارهای مالی از جمله نظام بانکی است و رسیدن به رشد اقتصادی نیز بدون وجود نهادهای مالی کارآ غیرممکن است (ابوترابی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۲۷). سازوکار کاربردی مفهوم بانکداری مقاومتی را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش اول مربوط به ساختار داخلی بانک است. به عبارتی، بانک‌ها با اعمال تغییر در ساختار داخلی خود می‌توانند در جهت مقاوم‌سازی بنیان‌های اقتصادی گام بردارند. اما بخش دوم به فعالیت‌هایی مربوط می‌شود که بانک باید در امور مقاوم‌سازی اقتصاد در خارج از ساختار خود انجام دهد؛ مثلاً ارائه تسهیلات در جهت حمایت از تولیدات داخلی نمونه‌ای. افزایش سطح مقاومت بانک‌ها در اقتصاد مقاومتی به عبارتی به مفهوم مجموعه اقداماتی است که بانک‌ها در جهت مقاوم‌سازی بنیان‌های اقتصادی کشور باید بیش از پیش به آن توجه کنند و عمل در جهت همین اقدامات است که بنیان‌های اقتصاد را تقویت می‌کند و با کاستن از میزان اثر حوزه‌های آسیب‌پذیر در اقتصاد، که در وضعیت فشار و تحریم ممکن است آسیب ببینند، میزان خطر بالقوه‌ای را که ممکن است در آن وضعیت بروز کند، کاهش می‌دهد و بدین طریق از بروز بحران‌های اقتصادی تا حد چشمگیری جلوگیری می‌کند (سیف و دیگران، ۱۳۹۳، صص ۱۱۹-۱۲۰). به عبارت دیگر در اقتصاد مقاومتی، بانک باید اهداف خود را در مسیر تحقق اهداف نظام اقتصادی کشور یا همان اهداف اقتصاد مقاومتی، تعیین و دنبال کند و نه اهداف شخصی.

با در نظر گرفتن جایگاه بانکداری در اقتصاد مقاومتی و در راستای اهداف مورد تأکید اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری مخصوصاً بند ۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، پرداختن به مسأله ریسک‌های بانکی به عنوان مانعی در مسیر اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، برای تبیین اثرات منفی وجود ریسک‌های خاص بانکی در مسیر تحقق اهداف بند نهم و از طرفی تبیین اثرات مثبت پوشش ریسک‌های خاص بانکی در جهت تحقق اهداف بند نهم، بسیار مورد نیاز است.

ظاهر فعالیت‌های بانک‌های اسلامی، به ویژه فعالیت‌های اعتباری آن‌ها نشان می‌دهد که این بانک‌ها، درگیر ریسک‌هایی بیش از ریسک‌های متداول در بانک‌های متعارف هستند. همین امر موجب شده است که نظریه‌پردازان به این باور برسند که بانک‌های اسلامی، در مقام مقایسه با بانک‌های متعارف، برای مقابله با ریسک بار سنگینی را بر دوش می‌کشند و با مشکل جدی در این زمینه روبرو می‌باشند (نجم‌آبادی، ۱۳۸۱، ص ۳۷). تفاوت عمده و اصلی بین ریسک‌های دو نظام بانکی در منشأ ایجاد آن‌ها می‌باشد. ریشه اصلی مشکل عدم تحقق کامل نظام بانکداری اسلامی در



کشور ما در سه دهه گذشته غفلت یا تغافل بانک مرکزی و مدیران شبکه بانکی از ماهیت استراتژیک یا به عبارت دیگر لزوم تعامل طرفین در فضای عملیاتی بانکداری بدون ربا می‌باشد (حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۹۳). اقتضای ماهیت اصلی عقود اسلامی، تعامل طرفین می‌باشد و طبعاً ریسک بانک اسلامی نیز در این نوع فعالیت بیشتر است. از طرفی بانکداری فعلی نیز ظرفیت و توان اجرای عقود اسلامی را نداشته و همواره با ریسک‌های متعدد بانکی مواجه خواهد بود؛ لذا ترجیح می‌دهد به طور غیررسمی به قرض ربوی بازگشت کرده و یا با افزایش بنگاهداری، شمولیت مالی را کاهش دهد.

مدل مفهومی ۱: نتایج و اثرات منفی وجود ریسک‌های خاص بانکی (منبع: یافته‌های پژوهش)

این امر در حقیقت به دلیل تفاوت ماهوی دو نظام بانکی اسلامی و متعارف می‌باشد و به نظر می‌رسد به دلیل وجود این ریسک‌های متعدد در اجرای عملیات بانکداری بدون ربا و آثار و نتایج آن‌ها، عملاً بسیاری از عملیات بانکداری بدون ربا، مشابه عملیات بانکداری متعارف است؛ به طور کلی می‌توان گفت بانکداری بدون ربا فعلی الگوی خاص یا مدل تعدیل شده‌ای از بانکداری متعارف می‌باشد. در واقع نظام بانکی ایران نیز همچون تجارت خارجی و داخلی ایران، در راستای رشد سرمایه‌داری لیبرال صندوق بین‌المللی پول و نه الگوی اقتصاد مقاومتی، به‌ویژه از نظر اشاعه عملی فلسفه خودپرستی مادی که دامن‌گیر نظام بانکی کشور است، برای بهره‌برداری از سپرده‌های بانکی مردم و کسب سود هرچه بیشتر به شیوه‌های گوناگون و به زیان سپرده‌گذاران، انواع فعالیت‌ها را گسترش می‌دهد (رزاقی، ۱۳۹۴).

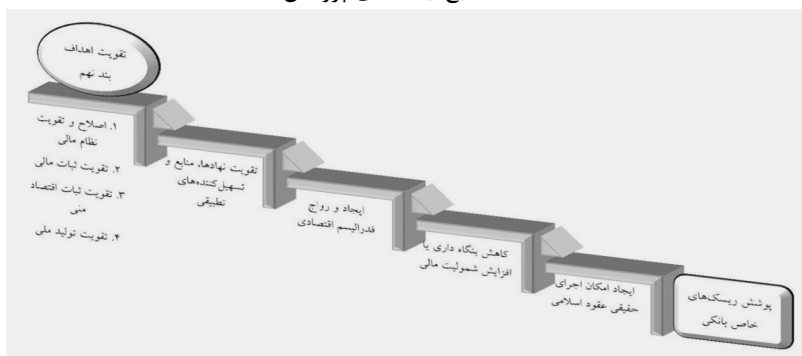
به طور کلی به این نتیجه رسیدیم که اولاً مشکل اصلی نظام بانکی بدون ربا در اجرای حقیقی عقود اسلامی و انجام واسطه‌گری مالی در جهت تحقق اهداف تأمین مالی اسلامی، مسأله ریسک‌های بانکی و پوشش آن‌ها می‌باشد؛ این ریسک‌ها در واقع موانع تحقق اهداف بانکداری بدون ربا می‌باشند. ثانیاً از آنجایی که روش‌های تجهیز و تخصیص منابع پولی در بانکداری بدون ربا از زمینه سرمایه‌گذاری برخوردارند لذا منشأ ریسک متفاوتی داشته و مدیریت ریسک ویژه‌ای را نیز طلب می‌کنند (کدخدایی، ۱۳۸۰، ص ۵). در حقیقت نباید صرفاً به دلیل ماهیت یکسان ریسک‌ها از روش‌های مشابه و یکسان مدیریت ریسک استفاده نمود؛ مسأله ریسک‌های خاص بانکی در ایران، به دلیل جایگاه و منشأ خاص خود، در حقیقت مسأله‌ای مبنایی بوده و ریشه در ساختار نامتناسب بانکداری بدون ربا فعلی با عملیات خاص بانکی خود، دارد و بر این اساس باید یک راهکار کلی و ساختاری نیز برای پوشش آن‌ها ارائه شود؛ به عبارت دیگر جهت جلوگیری از اثرات و نتایج منفی وجود ریسک‌های خاص بانکی، لازم است معماری دیگری از واسطه‌گری مالی ارائه کرد به طوری که متناسب با ماهیت عقود اسلامی و اهداف آن‌ها بوده و ضمن ایجاد زمینه اجرای حقیقی

عقود اسلامی با ریسک‌های کمتری نیز مواجه گردد. نتایج این بررسی در مورد اثرات مثبت پوشش ریسک‌های خاص بانکداری بدون ربا نیز نشان می‌دهند که راهکارهای ساختاری می‌توانند در جهت تحقق اهداف بند نهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، موجب اصلاح و تقویت نظام مالی در جهت پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، تقویت ثبات مالی و اقتصادی و تقویت تولید ملی گردند و عدم توجه به این مسأله می‌تواند ما را از این نتایج مثبت محروم گرداند. به عبارت دیگر می‌توان گفت پوشش ریسک‌های خاص بانکی در ایران با راهکارهای ساختاری، لازمه تحقق و یا حداقل تقویت اهداف بند نهم می‌باشد؛ جدول و شکل زیر بیانگر این مسأله می‌باشند. البته اصلاح نظام بانکی و انجام هرگونه تحولی در جهت تقویت سطح اسلامی بودن عملیات بانکی، اقدامی زمان بر بوده و لذا نیاز است بانک مرکزی در این رابطه الگویی بلندمدت تهیه نماید.

عوامل مؤثر	اهداف بند نهم	نتایج و اثرات مثبت
ایجاد امکان اجرای حقیقی عقود اسلامی	پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی	حذف واقعی ربا از بانکداری، همسویی منافع، تطابق با عدل و قسط، مستمر بودن قرارداد، کاهش انگیزه‌های سفته‌بازی، کاهش هزینه‌های اطلاعاتی و مبادلاتی و نیاز به نظارت کمتر بانک، توسعه مالی، تأمین مالی خرد، تعیین نرخ بهره توسط مکانیسم بازار
	تقویت ثبات مالی	کنترل میزان تورم، مواجهه با ریسک کمتر، وجود ظرفیت‌های نوآورانه عقود اسلامی
	تقویت ثبات اقتصاد ملی	ثبات بیشتر اقتصادی، کاهش تورم، کاهش بیکاری و کاهش شاخص فلاکت
	تقویت تولید ملی	کاهش هزینه‌های تولید، افزایش سرمایه‌گذاری، افزایش تولید و عرضه کل، بالا رفتن سطح اشتغال، تبدیل کارای پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری
کاهش بنگاهداری یا افزایش شمولیت مالی	پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی	دسترسی افرادی بیشتر به منابع مالی یا به عبارت دیگر افزایش ارائه تسهیلات به بخش خصوصی
	تقویت ثبات اقتصاد ملی	کاهش بیکاری و کاهش شاخص فلاکت
	تقویت تولید ملی	افزایش پس‌انداز در جامعه، افزایش سرمایه‌گذاری، افزایش بهره‌وری، رشد اقتصادی بالاتر، افزایش کارآفرینی، کاهش فقر
ایجاد و رواج فدرالیسم اقتصادی	پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی	کارایی بالاتر در تخصیص منابع
	تقویت ثبات اقتصاد ملی	کاهش بیکاری و کاهش شاخص فلاکت
	تقویت تولید ملی	رشد اقتصادی بالاتر
تقویت نهادها، منابع و تسهیل‌کننده‌های تطبیقی	پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی	کاهش هزینه‌های سازمانی و عملیاتی
	تقویت ثبات اقتصاد ملی	توسعه اقتصادی پایدار، کاهش بیکاری و کاهش شاخص فلاکت
	تقویت تولید ملی	افزایش توسعه اقتصادی

جایگاه و نقش پوشش ریسک‌های خاص بانکی در تحقق اهداف بند ۹

جدول ۱: جایگاه و نقش پوشش ریسک‌های خاص بانکی در تحقق اهداف بند نهم
(منبع: یافته‌های پژوهش)



نتیجه‌گیری

ظاهر فعالیت‌های بانک‌های اسلامی، به ویژه فعالیت‌های اعتباری آن‌ها نشان می‌دهد که این بانک‌ها، درگیر ریسک‌هایی بیش از ریسک‌های متداول در بانک‌های متعارف هستند. همین امر موجب شده است که نظریه‌پردازان به این باور برسند که بانک‌های اسلامی، در مقام مقایسه با بانک‌های متعارف، برای مقابله با ریسک بار سنگینی را بر دوش می‌کشند و با مشکل جدی در این زمینه روبرو می‌باشند. در جهت ریشه‌یابی مشکل مزبور، در این جا سعی شد تا مشکل مزبور از زوایای مختلف مورد بحث و تحلیل قرار گرفته و راه‌حل اساسی برای خروج از مشکل ارائه گردد. ریشه اصلی مشکل عدم تحقق کامل نظام بانکداری اسلامی در کشور ما در سه دهه گذشته غفلت یا تعافل بانک مرکزی و مدیران شبکه بانکی از ماهیت استراتژیک یا به عبارت دیگر لزوم تعامل طرفین در فضای عملیاتی بانکداری بدون ربا می‌باشد. این امر عملاً باعث معلق ماندن اجرای واقعی عقود اسلامی در نظام بانکی فعلی شده است، چرا که نظام بانکی فعلی برای چنین تعاملی با ریسک‌ها و هزینه‌های زیادی روبرو بوده و ترجیح می‌دهد به طور غیررسمی به قرض ربوی بازگشت کرده و یا با افزایش بنگاه‌داری، شمولیت مالی را کاهش دهد. به طور کلی نتایج بررسی مقاله حاکی از این است که اولاً؛ مشکل اصلی نظام بانکی در اجرای حقیقی عقود اسلامی و انجام واسطه‌گری مالی در جهت تحقق تأمین مالی اسلامی، مسأله ریسک‌های بانکی و پوشش آن‌ها می‌باشد؛ ثانیاً؛ پوشش این ریسک‌ها نیاز به ارائه راهکارهای ساختاری در جهت ایجاد تعامل طرفین عقود دارد و ساختار فعلی بانکداری همواره با ریسک‌های بانکی متعدد روبرو خواهد بود.

راهکارهای ساختاری نیز باید در جهت عملیاتی شدن بانکداری بدون ربا یا عقود اسلامی و پوشش ریسک‌های خاص آن‌ها بوده و شرایط را برای اصلاح و تقویت نظام مالی فراهم سازد. در حقیقت راهکارهای ارائه شده باید در جهت بالفعل کردن عقود اسلامی و استفاده از ظرفیت‌های این عقود باشد. بررسی‌ها نیز نشان می‌دهند که ظرفیت‌های نوآورانه عقود اسلامی می‌تواند رشد و ثبات اقتصاد را افزایش داده و موجبات تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی را فراهم آورد. با وجود این ظرفیت‌های بالقوه در عقود اسلامی که می‌توانند به نوآوری در ابزارهای مالی و در نتیجه توسعه مالی در کشورهای اسلامی بینجامند، باید هرچه بیشتر در بالفعل ساختن این ظرفیت‌ها کوشید. اگر بانکداری اسلامی بتواند در تأمین مالی خرد به طور پویا وارد عمل شود خواهد توانست از بانکداری متعارف ربوی پیشی بگیرد. البته اصلاح نظام بانکی و انجام هرگونه تحولی در جهت تقویت سطح اسلامی بودن عملیات بانکی، اقدامی زمان بر بوده و لذا نیاز است بانک مرکزی در این رابطه الگویی بلندمدت تهیه نماید.

منابع

۱. ابوالحسنی، اصغر، حسنی‌مقدم، رفیع، "بررسی انواع ریسک و روش‌های مدیریت آن در بانکداری بدون ربای ایران"، اقتصاد اسلامی، شماره ۳۰، ۱۳۸۷
۲. ابوترابی، محمدعلی، زنده دل شهرنوی، هدی، رضایی مقدم، نسیرین، "بررسی ظرفیت‌های نوآورانه عقودهای اسلامی و نقش آن در رشد اقتصادی"، قم، اقتصاد اسلامی، ش ۵۶، ۱۳۹۳، صص ۳۵-۵
۳. ایرنا، "نظام بانکی چرا درگیر بنگاهداری می‌شود؟"، ۱۳۹۳، Available online at <http://www.irna.ir/fa/News/81373762/>, checked on 10/9/2015
۴. تسخیری، محمدعلی، "دلیل نفی غرر و میزان اثرگذاری آن بر معاملات"، دوفصلنامه فقه مقارن، شماره ۱، ۱۳۹۲
۵. حسن‌زاده، علی، سپهری، کامران، "مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی"، تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۰۶، ۱۳۸۳، صص ۹۱-۱۰۱
۶. حسین‌پور، محمد، کاوند، مجتبی، "تحلیل و اولویت بندی ریسک‌های مالی در بانکداری بدون ربا"، اقتصاد اسلامی، شماره ۴۹، ۱۳۹۲
۷. حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین، "چرا قانون عملیات بانکی بدون ربا در سه دهه گذشته اجرا نشد؟"، تهران، مؤسسه عالی بانکداری ایران، بیست و پنجمین همایش بانکداری اسلامی، ۱۳۹۳
۸. خان، طریق‌الله، احمد، حبیب، "مدیریت ریسک و بررسی عوامل بروز آن در صنعت خدمات مالی اسلامی"، ترجمه سید محمد مهدی موسوی بیوکی و مجید خادم‌الحسینی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷
۹. روحانی، سیدعلی، "درباره سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، شاخص‌های ارزیابی تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (ویرایش اول)"، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳
۱۰. زمان‌زاده، حمید، "طرح تحول نظام بانکی: از شناسایی ریشه معضلات تا ارائه راهبرد اصلاحی"، تازه‌های اقتصاد زمستان، شماره ۱۳۰، ۱۳۸۹
۱۱. سعیدی، علی، "نقش صندوق‌های قرض‌الحسنه در توسعه شمولیت مالی"، تهران، نخستین همایش مالی اسلامی، دی ماه ۱۳۹۴
۱۲. سویلم، سامی ابراهیم، "پوشش ریسک در مالی اسلامی"، ترجمه عسکری، محمد مهدی، علیزاده اصل، محمد، حاجی‌رستم لو، مهدی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۶

۱۳. سیف، الله مراد، راهی دهقی، مجتبی، مرشدی، بهنام، "اقتصاد مقاومتی و بانکداری مقاومتی، مقاهیم، تجارب و شاخص‌ها"، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۹۳
۱۴. شاهرخی، غلامرضا، "نظری اجمالی بر انواع ریسک بانکی، مدیریت ریسک و نظارت مبتنی برریسک"، بانک و اقتصاد، شماره ۷۸، ۱۳۸۵
۱۵. عقیلی کرمانی، پرویز، "مدیریت ریسک در بانکداری سنتی در مقایسه با بانکداری بدون ربا"، تهران: مؤسسه عالی بانکداری، مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی، ۱۳۸۱
۱۶. علوی، یحیی، "بانکداری بدون ربا، چالش‌های و راهکارها"، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۸
۱۷. عیوضلو، حسین، میسمی، حسین، "نقش نظام بانکداری اسلامی در ایجاد ثبات ملی در سطح کلان"، تازه‌های اقتصاد، ویژه‌نامه بانکداری اسلامی، ۱۳۹۰
۱۸. کدخدایی، حسین، "پدیده ریسک در بانکداری اسلامی"، بانک و اقتصاد، شماره ۱۶، ۱۳۸۰، صص ۱۴-۲۱
۱۹. محرابی، لیلا، "مدیریت ریسک در نظام بانکداری بدون ربا با تأکید بر ریسک اعتباری"، تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۰، ۱۳۸۹
۲۰. مختاری، حسین، "تبیین نقش و جایگاه عقود مشارکتی در معماری نظام مالی ایران"، دانشگاه امام صادق(ع)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، ۱۳۹۲
۲۱. مشرف‌جوادی، محمدحسین، "ریسک در بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی(با رویکردی بر ریسک قانونی)"، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۳۸، ۱۳۸۸
۲۲. میرجلیلی، سیدحسین، "مقاومت بانک‌های اسلامی و بانک‌های مرسوم در بحران مالی جهانی"، تهران، نخستین همایش مالی اسلامی، دی‌ماه ۱۳۹۴
۲۳. نجم‌آبادی، سیدحسین، "تفاوت‌های اساسی توزیع ریسک در دو نظام بانکداری اسلامی و سنتی"، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران، مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی، ۱۳۸۱، صص ۹۳-۱۲۹
۲۴. نظری‌پور، محمدتقی؛ رضایی، علی، مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی با رویکرد بررسی عقود و الگوی پرداخت تسهیلات، مجله تحقیقات مالی اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
۲۵. شعبانی، احمد؛ عادل رستخیز، علی؛ تحلیل تطبیقی ریسک در بانکداری متعارف و بانکداری بدون ربا در قالب عقود اسلامی، مجله تحقیقات مالی - اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، سال دوم، شماره ۳.

۹۴ بررسی نقش پوشش ریسک‌های خاص بانکی بانکداری... / سعید سید حسین‌زاده یزدی، بهنام نباتی پابندی

۲۶. کاظمی‌نژاد، فاطمه، تفاوت توزیع ریسک در دو نظام بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف، بانک و اقتصاد، شهریور ۱۳۸۸، شماره ۱۰۱.

۲۷. مصباحی‌مقدم، غلامرضا؛ صفری، محمد، بررسی درآمد حاصل از تحمل ریسک از دیدگاه آموزه‌های اسلامی، مجله اقتصاد اسلامی، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۳۶.